



گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین سید جواد بهشتی؛ مشاور امور قرآنی، توسعه فرهنگ اقامه نماز و عترت وزیر آموزش و پرورش و سرگروه داوری کتاب‌های تفسیر و ترجمه قرآنی

سهم قرآن در سبب زندگی



محمد دشتی

چیز دیگری است. تمسک قرآن را بوسیدن و چاپ کردن با کاغذ گلاسه و برطاقچه گذاشتن نیست.

تمسک یعنی به قرآن مراجعه کنیم و برای زندگی از آن برنامه بگیریم. تمسک عمل به متن و بیان قرآن است. تمسک به اهل بیت هم همین‌طور است. اگر قرار باشد فقط در مراسم شادی و عزا به این بزرگان توجه کنیم کفایت نخواهد کرد و آن تمسک واقعی مورد نظر پیامبر(ص) حاصل نمی‌شود.

آموزش و پرورش از همان سال‌های اول انقلاب قرآن را نماد تربیت دینی قرار داد و تشکیلاتی را هم برای این کتاب شریف به وجود آورد. البته قرآن قبل از انقلاب هم در مدارس بود، اما بعد از انقلاب با نگاه جدید، متون جدید و اسلوب تازه‌ای مورد نظر قرار گرفت.

به هر حال، اکنون که بیش از ۳۷ سال از انقلاب می‌گذرد، ما به آن انتظاراتی که خود قرآن، پیامبر، اسلام و انقلاب درباره قرآن از آموزش و پرورش دارند پاسخ نگفته‌ایم. درست است که درس قرآن در هر پایه‌ای وجود دارد، اما به دلیل محدودیت کتاب درسی نمی‌توان همه اهداف را در آن عملی کرد. در حوزه پرورشی هم مسابقات قرآن هست، ولی همه این‌ها را که جمع می‌کنیم و به قول مقام معظم رهبری، وقتی نظری به خروجی‌ها می‌اندازیم، آن چیزی که مورد نظر است در این زمینه حاصل نشده است. وقتی که یک دیپلمه ما به سربازخانه یا دانشگاه می‌رود و یا وارد بازار کار می‌شود، داشته‌های او - تازه اگر آنچه را گفته‌ایم خوب فرا گرفته باشد - همان لایه‌های رویی است، یعنی فقط ممکن است بتواند قرآن را از رو بخواند.

چرا خوب چه باید کرد؟

بله عرض می‌کنم. ما باید از خودمان بپرسیم که در هفته چقدر روی قرآن و محتوای آن فکر می‌کنیم. پاسخ به این سؤال نشان

چرا؟ جناب آقای بهشتی نگاه و نظر حضرت عالی از منظر جایگاهی که در سمت مشاور امور قرآن، توسعه فرهنگ اقامه نماز و عترت وزارت آموزش و پرورش دارید، به مسئله قرآن و متون آموزشی قرآن و مسائل مربوط بدان چیست؟

قرآن کتاب زندگی ماست که از جانب خداوند متعال نازل شده است. مهم‌ترین نقطه قوت این کتاب آسمانی این است که به اصطلاح امروز، سند بالادستی ما مسلمانان است. یعنی هر گروه و فرقه و دسته‌ای از مسلمانان با هر اعتقاد خاصی که ممکن است داشته باشد، در مورد قرآن با دیگر گروه‌ها و فرقه‌ها اشتراک نظر دارد و همه قرآن را قبول دارند. این خودش یک نقطه قوت مهم و اساسی است و می‌تواند محور وحدت و یکپارچگی مسلمانان قرار گیرد.

پیامبر عزیز ما، حضرت ختمی مرتبت، نیز در پایان عمر شریف خود مدام جلساتی را برگزار می‌کرد و به مسلمانان می‌فرمود چیزی می‌خواهم بگویم که فقط مخصوص شما نیست و باید این موضوع سینه به سینه و تا قیامت منتقل شود و ادامه پیدا کند. آن سخن مهم این بود که من از خودم دو میراث مهم به جا می‌گذارم که یکی قرآن و دیگری اهل بیت من است و اگر به این دو تمسک جویند رستگار خواهید شد.

چرا؟ خوب! در همین زمینه تمسک به قرآن، برآورد شما چیست؟ ما تا چه اندازه توانسته‌ایم عملاً به قرآن تمسک بجوئیم؟

بله این سؤال مهمی است. اتفاقاً در همین ارتباط شهید مطهری می‌فرمایند: مشکل ما در این حوزه این است که تمسک واقعی بدین دو گوهر و میراث ارزشمند پیدا نمی‌کنیم. گاه نیز تمسک را به معنای احترام می‌گیریم در حالی که احترام یک چیز و تمسک

می‌دهد علی‌رغم کارهایی که ما انجام می‌دهیم و با اخلاص هم انجام می‌دهیم، در عمل به آن انتظاراتی که در این حوزه وجود دارد نمی‌رسیم.

این نشان می‌دهد که بعد از گذشت ۳۷ سال باید یک کارهایی را انجام دهیم که تا کنون انجام نداده‌ایم. همین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی به‌خصوص بحث و گفت‌وگو از کتاب‌های قرآنی از جمله همین کارهاست که می‌تواند در یک برنامه کلی، جزیی از اقداماتی باشد تا آن نگاه اساسی که باید به قرآن و آموزش قرآن داشته باشیم حاصل شود.

چوبه ۱: در گروه داوری تفسیر و ترجمه کتاب‌های قرآنی، که در دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد مسئولیت آن با شماست، وضع چگونه است؟

در همین حوزه هم خیلی باید کار کنیم. یعنی ما باید معلمان را در این زمینه فعال و به گونه‌ای عمل کنیم که آن‌ها بتوانند در دوران خدمت خود حاصل و برداشت مناسبی در این زمینه داشته باشند. محاسبه آن هم کار خیلی سختی نیست و نشان می‌دهد که اگر ما برنامه داشته باشیم چنین کاری شدنی و عملی و اتفاقاً آسان و خوشایند است.

چوبه ۲: با چنین نگاه مثبت و امیدوارانه‌ای پیشنهاد عملی شما که آن را آسان و خوشایند هم می‌دانید، برای مشارکت فرهنگیان در این امر چیست؟

مصداقی عرض می‌کنم. ببینید! یک فرهنگی به‌طور متوسط ۳۰ سال برای آموزش و پرورش خدمت می‌کند و قرآن کریم هم ۳۰ جزء دارد، حالا چه خوب می‌شد اگر ما این ۳۰ جزء قرآن را که هر جزء آن ۲۰ صفحه است در دستور کار روزانه، هفتگی و ماهانه خود قرار می‌دادیم و آن‌ها را دقیق و با تفسیرش می‌خواندیم و فکر می‌کردیم. اگر این ۲۰ صفحه را بر تعداد ماه‌های سال تقسیم کنیم، هر ماه کم‌تر از دو صفحه می‌شود که کار سختی نیست و اگر برنامه و اهمتامی وجود داشته باشد این کار شدنی و آسان است.

پس این اهتمام باید باشد و این گونه هم نباشد که تا اسم قرآن را می‌آوریم ذهن همه به سوی روخوانی قرآن برود و همه هم آمار بدهیم که مثلاً در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و معاونت پرورشی فلان مقدار آمار و ساعت و برنامه روخوانی و روان‌خوانی داشته‌ایم.

باید توجه داشته باشیم که روخوانی فقط لایه اول قرآن است و این کتاب شریف ۱۰ لایه دارد که رفتن در عمق آن اهتمام و برنامه می‌خواهد. فهم، استماع، برداشت درست، تأثیرپذیری و عمل از جمله این لایه‌های قرآنی هستند.

من بحثی تحت عنوان «انتظارات قرآن از ما مسلمانان» دارم که در آن ۱۰ انتظار را از متن قرآن استخراج کرده‌ام. متأسفانه باید بگویم که ما در همان پله اول مانده‌ایم و تازه در همان پله اول هم مشکل داریم. حال اگر اهتمام کنیم و انشاء... پله اول را

پشت سر بگذاریم، در پله‌های بعدی باید سعی و تلاش بیشتری بکنیم. چون مثلاً در موضوع فهم قرآن، زبان ما عربی نیست ولی وظیفه و برنامه ما یادگرفتن و عمل به قرآن است. در ادامه هم باید در مورد قرآن بیندیشیم و ببینیم که برای زندگی چه برنامه‌ای می‌توانیم از آن استخراج کنیم و مبنای عمل قرار دهیم. برای چنین کار مهمی قرآن باید وارد دستگاه فکری ما مسلمانان شود. و مثلاً اگر می‌خواهیم همسر انتخاب کنیم، شغلی انتخاب کنیم و یا یک موضع سیاسی بگیریم مبنای مرجع ما قرآن باشد و این گونه است که با پیمودن پله‌های بعدی زمینه

تمسک به قرآن در زندگی برای ما به‌عنوان مسلمان و برای آموزش و پرورش به‌عنوان یک سازمان مسئول و سیاست‌گذار فراهم خواهد شد.

چوبه ۳: ممکن است بفرمایید برای چنین اقداماتی دلیل تأکید بزرگان و مسئولان بر توسعه و ترویج و نشر کتاب و کتاب‌خوانی که شما هم بر آن اصرار دارید چیست؟

اگر ما بر کتاب و داشتن کتاب تأکید می‌کنیم دلیلش آن است که کتاب خوب همیشه زمینه کارهای خوب دیگر را هم فراهم می‌آورد. در زمینه کتاب‌های قرآنی

هم این موضوع مصداق دارد، یعنی اگر ما کتاب خوب داشته باشیم، فیلم خوب هم خواهیم داشت.

دلیل این هم که رهبران ما و آموزه‌های دینی و اسلامی بر کتاب و کتاب‌خوانی و تولید و انتشار کتاب‌های خوب تأکید دارند، همین معناست که کتاب منبع، مخزن و سرچشمه‌ای برای دیگر اقدامات فرهنگی و سازنده است. این هم که شما و آموزش و پرورش در دوازدهمین

جشنواره کتاب‌های آموزشی تربیتی رشد، کتاب‌های قرآنی را به‌طور ویژه مورد توجه قرار داده‌اید، کار بسیار با اهمیتی است که می‌تواند با همراهی نویسندگان و ناشران کتاب‌های آموزشی، به‌خصوص

کتاب‌های قرآنی، که با داشتن دغدغه دین و ارزش‌های اسلامی بدین حوزه ارزشمند پا گذاشته‌اند، کاری مفید و مؤثر باشد و در همان سیر و چرخه‌ای

که برای تأثیرگذاری بیشتر قرآن بر زندگی مسلمانان بدان اشاره کردیم، مفید و مؤثر واقع شود.

باید توجه داشته باشیم که روخوانی فقط لایه اول قرآن است و این کتاب شریف ۱۰ لایه دارد که رفتن در عمق آن اهتمام و برنامه می‌خواهد. فهم، استماع، برداشت درست، تأثیرپذیری و عمل از جمله این لایه‌های قرآنی هستند





چرا؟ با توجه به نزدیک شدن به زمان برگزاری دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد که با تأکید و توجه خاص بر کتاب‌های قرآنی صورت خواهد گرفت، توصیه شما به نویسندگان و ناشران کتاب‌های قرآنی چیست؟

من در حوزه ناشران و اقداماتی که باید انجام دهند در میزگردی که با حضور مسئولان و دست‌اندرکاران حوزه سامان‌دهی و نیز ناشران کتاب‌های آموزشی و تربیتی در حوزه انتشار کتاب‌های قرآنی، برگزار شد، به بخشی از اقداماتی که ناشران این‌گونه کتاب‌ها باید انجام دهند، اشاراتی داشتم. اینجا هم به برخی موارد دیگر اشاره می‌کنم.

ما باید متناسب با نیاز دو دسته مخاطب، معلمان و دانش‌آموزان، مطالبی را از قرآن استخراج کنیم و در قالب‌های گوناگون و متنوع بدان‌ها بپردازیم. به‌طور مثال در حال حاضر بچه‌های ما سؤالات و گاه شبهاتی دارند که همین موضوع را می‌توان به کمک قرآن و مراجعه به متن آن در دستور کار قرار داد و اگر ناشران ما و آموزش‌وپرورش کنار هم بنشینند، که الحمدلله زمینه‌های چنین اقداماتی فراهم است، می‌توان صدها هزاران کتاب با استفاده از دستورات و آنچه در قرآن بیان شده است، نوشت.

به‌طور مثال در قرآن ۸۸۸ جمله پرسشی وجود دارد، ۱۱ سوره با سؤال شروع می‌شود و ۱۳۰ مورد با واژه‌هایی که مفهوم پرسشگرانه دارند. که همین‌ها بیش از هزار موضوع می‌شود و خود همین می‌تواند یک کتاب تفسیری موضوعی با عنوان پرسش و پرسشگری در قرآن باشد.

خود همین پرسشگری هم با اغراض مختلفی انجام می‌شود که بدان‌ها هم می‌شود پرداخت. برخی سؤال می‌کنند تا

بدانند، برخی می‌پرسند تا شبهه ایجاد کنند، بعضی‌ها می‌خواهند موضوعی را به تمسخر بگیرند و برخی می‌خواهند انکار کنند. همه این موضوعات در قرآن هست و می‌توان به‌طور مفصل بدان پرداخت و درباره آن‌ها نوشت. به‌طور مثال خداوند خودش بدون سانسور گفته است که کفار می‌گویند قیامتی در کار نیست و دلیل آن را هم بیان فرموده و بدان پاسخ داده است. این موضوعات و موضوعات مشترک دیگر با محور پرسشگری می‌تواند متن و موضوع کتاب‌های زیادی قرار گیرد و حقایق و شنیدنی‌های زیاد و جذابی را در اختیار معلمان و فرهنگیان و دانش‌آموزان و در مجموع آحاد مردم جامعه و علاقه‌مندان قرار دهد.

چرا؟ شما در صحبت‌های خودتان در آن جلسه اشاره‌ای هم به لزوم انتشار آثاری برای تقویت مهارت‌های

دانش‌آموزان در زندگی و درس و تحصیل داشتید، لطفاً در این زمینه بیشتر توضیح دهید.

بله همین‌طور است. مثلاً موضوع پرداختن به گفت‌وگوهای قرآنی برای چنین هدفی مفید است. در حال حاضر ما دانش‌آموزانی را تربیت می‌کنیم که شهامت و جرئت صحبت کردن ندارند. این درحالی است که موضوعات را می‌فهمند و بلد هم هستند؛ اما چون صحبت کردن و گفت‌وگو را در مدرسه و دبیرستان تمرین نکرده‌اند وقتی وارد دانشگاه و یا جامعه و حتی بازار کار می‌شوند جرئت و جسارت صحبت کردن و بیان نظرات حتی صحیح و درست خود را ندارند. این در حالی است که می‌توان درباره مهارت گفت‌وگو کردن از قرآن استفاده کرد. ما ۲۰۰ گفت‌وگو در قرآن داریم که اگر یک ناشری بیاید و گفت‌وگوهای قرآنی و فقط همین موضوع را در دستور کار خود قرار دهد، می‌تواند صدها کتاب در این زمینه بنویسد و تألیف کند و بازار هم داشته باشد. گذشته از اصل موضوع گفت‌وگو، در این بحث‌ها نکات ارزشمندی در خصوص آداب گفت‌وگو، انواع گفت‌وگو، اهداف گفت‌وگو، مهارت گفت‌وگو و دیگر مسائل مربوط به گفت‌وگو وجود دارد که خودش می‌تواند موضوع کتاب‌های دیگری در این زمینه باشد.

چرا؟ در مورد مسائل روز و سؤالات و ابهاماتی که مخاطبان در این خصوص دارند، چه تصویری دارید؟

قرآن کتاب زندگی است و قطعاً موضوعاتی در خصوص مسائل روز، که هم مورد توجه و هم مورد نیاز مخاطبان است، در قرآن وجود دارد که پرداختن به آن‌ها می‌تواند بسیار جذاب و خواندنی و قابل استفاده باشد.

به‌طور مثال ما در حال حاضر جنگ‌های زیادی در سرتاسر دنیا داریم که باید ببینیم دید و نگاه اسلام در این زمینه چیست؟ مسیحی‌ها مسلمانان را به جنگ‌طلبی، ستیزه‌گری و کشتار متهم می‌کنند، این در حالی است که ما ۳۰۰ آیه در قرآن در خصوص جنگ داریم. در این آیات و سوره‌ها مسائلی درباره اهداف جنگ در اسلام، گزارش جنگ‌هایی مانند بدر، احد، خیبر، جنگ با یهودیان و مشرکین، جنگ با رومی‌ها- اروپای فعلی - و دیگر جوانب جنگ آمده است که می‌تواند ذهن دانش‌آموز و معلم ما را روشن کند و به او قدرت و تفکر و بینش لازم را بدهد تا بتواند مسائل جامعه خود و دنیای پیرامون را تحلیل و تفسیر کند و در مجموع برای نگاه و دیدگاه خود دلایل و استنادات محکم و قابل قبولی داشته باشد.

اگر چنین اتفاقی بیفتد در همین یک مورد، مخاطب ما با ۳۰۰ آیه قرآن و تفسیر و تحلیل آن آشنا شده و مهم‌تر از آن اینکه می‌تواند برای خودش در خصوص طرفداری از جنگ و یا صلح موضع بگیرد و استقلال فکر و اندیشه داشته باشد و با اتکا بر بالاترین و مهم‌ترین سند بالادستی مسلمانان نظر و نگاه خود را بیان کند.

چرا؟ برخی موضوعات مانند گزارش سفر و یا بیان

اگر ما بر کتاب و داشتن کتاب تأکید می‌کنیم دلیلش آن است که کتاب خوب همیشه زمینه کارهای خوب دیگر را هم فراهم می‌آورد. در زمینه کتاب‌های قرآنی هم این موضوع مصداق دارد، یعنی اگر ما کتاب خوب داشته باشیم، فیلم خوب هم خواهیم داشت کتاب منبع، مخزن و سرچشمه‌ای برای دیگر اقدامات فرهنگی و سازنده است

شده است که این خودش می‌تواند محور و موضوع کتاب‌های گوناگونی قرار گیرد.

چرا؟ تصور و پیش‌بینی و افق نگاه شما برای موفقیت و کارآمدی و توجه مخاطبان برای چنین کتاب‌ها و استقبال مخاطبان از آن چیست؟

اجازه بدهید جواب این سؤال را این‌گونه بدهم. شما فرض کنید سال ۱۳۹۵ است و این کتاب با عنوان «نعمت‌ها در قرآن» البته با ادبیاتی جذاب و هنرمندانه منتشر شده است و پیش‌بینی ما این است که وجود کتابی که در بحث گفت‌وگوهای قرآنی منتشر شود دانش‌آموزان را عاشق تولید آن خواهد کرد و مهارت گفت‌وگو در خوانندگان کتاب ۲ نمره افزایش خواهد یافت و مجموعه این کارها و توسعه آن، و ضمناً عمل بدانچه می‌خوانیم و درک می‌کنیم، همان موضوع تمسک به قرآن را محقق خواهد ساخت.

حالا اگر کتاب «سفرها و سفرنامه‌ها در قرآن» تألیف و منتشر شود، و با احتساب اینکه سالانه حدود ۱۰ میلیون نفر از دانش‌آموزان به اردوهای نزدیک، میانه و دور می‌روند - و مثلاً دانش‌آموزی از بندر لنگه به مشهد می‌آید و گاه با توقف و حرکتی که دارند تا ۷۰ ساعت در راه هستند - می‌تواند در داخل ماشین و قطار منبع بسیار ارزشمند و مفید و مؤثری باشد و حتی آنان را تشویق و ترغیب به نوشتن و نوشتن سفرنامه و خاطرات سفر کند که خودش به تنهایی هدف مهم و اثرگذاری است و ضمناً این کتاب به‌طور مستقیم و غیرمستقیم قرآن را در روح و ذهن و

داستان‌های عبرت‌انگیز، معمولاً در میان مخاطبان جوان مشتری بیشتری دارد. در این مورد چه زمینه‌ای در قرآن وجود دارد که می‌تواند مورد توجه و استفاده نویسندگان و ناشران کتاب‌های قرآنی قرار گیرد؟

اتفاقاً یکی از پرخواننده‌ترین کتاب‌هایی که ما از گذشته تا امروز داریم، همین سفرنامه‌هاست که همیشه برای بشر جذابیت داشته و خواندنی است. سفرنامه همیشه نو و تازه است و همواره مخاطبانی دارد که مشتاق‌اند آن را بخوانند. جالب است بدانید که ما در قرآن حدود ۳۳ سفرنامه داریم.

گاهی مربیان از من سؤال می‌کنند که در اردوها برای دانش‌آموزان چه بگوییم؟ پیشنهاد من سفرنامه‌های قرآنی است، چون هم معلم و مربی از قرآن سخن گفته است و هم از موضوعاتی برای بچه‌ها صحبت کرده است که برای آنان جالب و جذاب و شنیدنی است به‌طور مثال سفر حضرت خضر و حضرت موسی می‌تواند برای بچه‌ها خیلی جذاب و شنیدنی باشد.

یا مثلاً توجه به برخی احادیث خود می‌تواند الهام‌بخش باشد. به‌طور مثال در حدیث آمده است که، حضرت موسی نشسته بود که جبرئیل نازل شد و گفت: خدا می‌فرماید مردم را عاشق من کن. حضرت موسی گفت من بلد نیستم. به خدا بگو چه جور این کار را انجام دهم؟ جبرئیل رفت و برگشت و گفت: خداوند فرمود نعمت‌هایم را به بندگانم یادآوری کن، عاشق من خواهند شد. من وقتی این حدیث را خواندم نکته‌ای به نظرم رسید و با حاج آقای قرائتی نشستیم و کل قرآن را خواندیم تا ببینیم اسم چند نعمت در قرآن آمده است. بیش از ۱۰۰۰ نعمت در قرآن نام برده



وجود این مسافر و دانش‌آموز رسوخ دهد و ماندگار کند.

چرا؟ شما در صحبت‌هایتان اشاره‌ای هم به کتاب‌های تفسیر و به خصوص تفسیرهای موضوعی داشتید. در این خصوص کمی بیشتر برای خوانندگان عزیز توضیح دهید.

منظور من از تفسیر و به خصوص تفسیر موضوعی نکاتی است که مورد نیاز دانش‌آموز است. همان‌طور که اشاره کردم موضوعاتی مانند پرسش‌ها، نعمت‌ها، سفرها و گفت‌وگوها و الگوها خیلی در این مورد مهم و شایان توجه هستند.

مربیان و کارشناسان پرورشی اعتقاد دارند انسان به شدت نیازمند الگو است و اتفاقاً قرآن در هر دو زمینه الگوهای بد و الگوهای خوب مصادیق فراوانی را معرفی کرده است. شاید تا حدود ۵۰ نفر در این زمینه در قرآن معرفی شده باشند که در میان آنان، زن، مرد، زمامدار، ثروتمند و بزرگ و کوچک و جوان و نوجوان به چشم می‌خورد. به‌طور مثال حضرت یوسف خود یک الگوست چون ۱۱ یا ۱۳ ساله بود که وارد کوران آن حوادث سخت شد.

یا ۱۲۰ تا مثل و ضرب‌المثل در قرآن است که خودش می‌تواند زمینه انتشار کتاب‌های داستان، نقاشی، ساخت انیمیشن و دیگر کارهای هنری قرار گیرد و بعد هم در دوره متوسطه دوم موضوع تفسیر و تحلیل‌های گوناگون قرار گیرد. اساساً قرآن منبع الهام برای نوشتن کتاب‌های خوب و ماندگار است که ما از آن غافل هستیم.

زمینه دیگر موضوع علم است. همان چیزی که مأموریت آموزش و پرورش است و در قرآن هم بدان پرداخته شده است. این موضوع که اساساً علم از نگاه قرآن چیست و یا در مواردی که بحث علم اسلامی و یا شیمی اسلامی و مسائلی از این دست مطرح می‌شوند باید به این سؤالات که پیرامون مسائل علمی هستند پاسخ علمی داده شود و بهترین جا برای چنین کاری متون مستحکم و مستند قرآن است. طب اسلامی و طبیبی که ابوعلی سینا یاد می‌داد با طبیبی که غرب آموزش می‌دهد فرق دارد. یادگیرنده‌ای که برای فراگرفتن طب به نزد ابوعلی سینا می‌آمد، نماز خوان بود و نماز شب‌خوان از نزد او می‌رفت، اما چگونه می‌شود که فراگیر ما که وارد دانشکده پزشکی می‌شود اگر در پایان تحصیلات نمازخوان باقی مانده باشد، جای شکر دارد. این تفاوت در کجاست؟ این‌ها همه سؤالاتی است که می‌توان در موضوعات علمی با اتکاء بر قرآن بدان‌ها پاسخ داد.

یا در موضوعاتی مانند آداب معلمی و شاگردی که مبتنی بر قرآن باشد، ما کتاب قابل توجهی نداریم و این خود می‌تواند موضوع دیگری برای انتشار کتاب توسط نویسندگان و ناشران باشد.

البته منظورم کار محققانه و نفیسی است که در آن مثلاً ۳۰۰ آیه قرآن مبنای حرف ما باشد.

چرا؟ به‌عنوان سخن پایانی توصیه و سفارش و یا صحبت شما با دست‌اندرکاران طرح سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی و تربیتی و ناشران فعال در حوزه کتاب‌های قرآنی چیست؟

امیدواریم با این حرکتی که آغاز شده است، ناشران کتاب‌های قرآنی هم انگیزه بیشتری پیدا کنند و از این دریچه‌ای که بنده بدان نگریم و بخشی از آن را توضیح دادم و تشریح کردم به موضوع نگاه کنند و ببینند که چه بازار بزرگ و جمعیت کثیری می‌توانند مخاطب و مشتری آثار آنان باشند و با این حرکت همراه شوند. البته که آموزش و پرورش هم باید زمینه‌های بیشتری را فراهم کند و با خرید و پشتیبانی‌های گوناگون از این کتاب‌ها، ناشران را برای انتشار چنین کتاب‌هایی بیش از پیش ترغیب و تشویق کند.

حالا با توجه به همه این موضوعات باید گفت که ناشران آموزشی و به‌خصوص ناشران کتاب‌های قرآنی با این زمینه و توجهی که فراهم آمده است بازار بزرگی را در اختیار دارند که باید از آن بهره ببرند. لازمه چنین کاری هم دعوت و تکریم ناشران و گفت‌وگو و حمایت از آنان است تا با داشتن تصویری درست از نیاز مخاطب به کمک آموزش و پرورش بیایند و در این زمینه با توجه به همان ظرفیتی که به‌خصوص در کتاب آسمانی ما یعنی قرآن وجود دارد، کتاب‌های مورد نظر و نیاز دانش‌آموزان و معلمان و جامعه فرهنگی کشور را تولید کنند.

از سوی دیگر، ناشران هم که چشمشان به دنبال مشتری است باید کالایی را تولید کنند که بتوانند آن را به مشتری بفروشند و رقابت را برای تولید کتاب بهتر و مؤثرتر از یاد نبرند تا اگر صبح درب مغازه را به امید کسب حلال باز می‌کنند با بسته شدن آن در شب با خیالی آرام و کسب درآمد مشروع و حلال و با خیالی راحت و راضی به خانه بروند.

پس ما هم باید کمک کنیم تا ناشر بتواند از این بازار که مشتری ۱۰ تا ۱۴ میلیونی دارد سود خود را به‌دست آورد و توجه داشته باشیم که اگر قرار باشد تنها بر موجودی انبار ناشر افزوده شود کار پیش نخواهد رفت. هر دو سوی این قضیه باید برای موفقیت بیشتر به هم کمک کنند. ما در ایران ناشران بسیار خوبی داریم ولی به‌نظر می‌رسد باید ارتباط خودمان را با ناشران افزایش دهیم چون ارتباط مقطعی و موسمی در این کار جواب نمی‌دهد و نیاز به ارتباط مستمر و مداوم و مؤثر داریم.

در این میان برگزاری مراسمی مانند جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد مورد تأکید است، چون با رسانه‌ای شدن کار و تشویق و تجلیل از کسانی که کارهای برتر و مطابق با برنامه‌های درسی انجام داده‌اند، زمینه اقبال و حضور دیگر ناشران هم در چنین اقدامات لازم و ارزشمندی بیش از پیش فراهم خواهد شد. ان‌شاء...